

Vol. 1, Series. 2,
No. 2 Autumn & Winter
233 - 256

Theology of Unity: Applied Theology within the Framework of Interdisci- plinary Academic Studies

Doi: 10.22034/pt.2025.494938.1044



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

■ Reza Mohammadzadeh

Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadegh University, Tehran, Iran

Email: rmohaahomr@gmail.com

ORCID ID: 0009-0003-9440-4857

Abstract

Theology of Unity is a branch of applied theology whose primary mission and function is to manage social conflicts based on precise scientific considerations. Rather than being just a general plan or an academic course, it is developed as a unified system of knowledge that brings together interdisciplinary studies-combining theology and religious teachings on one hand and various branches of human sciences on the other. Theology of Unity established both as a method in applied

studies and as an interdisciplinary system of knowledge, centered on the crucial concept of commonalities—whether actual or potential, is shaped by specific principles and strategies, and focusing on these foundations not only enhances the capacity for social management and conflict resolution to the extent of transforming social threats into valuable opportunities but also significantly demonstrates the potential of religious teachings in addressing social challenges. The promotion of solidarity among Islamic communities, bridging differences between various sects and schools of thought, is one of the key objectives that can be effectively pursued through the principles and methods outlined in the Theology of Unity. By employing effective strategies proposed in this field—particularly the three insightful approaches of *Ta'zir* (excusing differences), *Akhz bi-Lawāzim* (adhering to necessary implications), and *Masāhāt Mushtarak* (shared spaces)—a crucial dual achievement can be realized: the establishment of a systematic body of knowledge in the Theology of Unity and the scholarly management of religious differences as an opportunity rather than a challenge. This, in turn, facilitates the attainment of the essential attribute of *authenticity* within each Islamic sect.

Keywords: Applied theology, Practical theology, Unity theology, Religious unity, Interdisciplinary studies, otherness, interreligious dialogue



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوفصلنامه الهیات عملی

سال ۱ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۲۳۳ - ۲۵۶

الهیات وحدت: الهیات کاربردی در چارچوب مطالعات میان رشته‌ای دانشگاهی

Doi: 10.22034/pt.2025.494938.1044

■ رضا محمدزاده

دانشیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

رایانامه: rmohaahomr@gmail.com

چکیده

الهیات وحدت یکی از شاخه‌های الهیات کاربردی به شمار می‌آید که رسالت و کارکرد اصلی آن مدیریت اختلافات اجتماعی براساس ملاحظات دقیق علمی است که در یک نظام دانش واحد، و نه صرفاً یک طرح یا واحد درسی عمومی، متشکل از مطالعات بین رشته‌ای میان الهیات و آموزه‌های دینی از یک طرف و مطالعات دانش‌های متعدد انسانی از سوی دیگر حاصل می‌شود. الهیات وحدت هم به‌عنوان یک روش در مطالعات کاربردی و هم به‌عنوان یک نظام دانش میان‌رشته‌ای برپایه موضوع مهم مشترکات، چه در عرصه مشترکات واقع و چه در حیطه مشترکات قابل تحقق، براساس مبانی و راهبردهای معینی شکل می‌گیرد و عطف توجه به هریک از آن مبانی و این راهبردها نه‌تنها قابلیت مدیریت اجتماعی



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

و مدیریت اختلاف را تا حد تبدیل تهدیدهای اجتماعی به فرصت‌های طلایی بالا می‌برد، بلکه توانایی‌های آموزه‌های دینی در حل مشکلات اجتماعی را نیز تا حد وسیعی نشان می‌دهد. ایجاد همبستگی در جوامع اسلامی میان فرق و مذاهب مختلف از جمله زمینه‌هایی است که با ملاک‌ها و روش‌های مطروحه در الهیات وحدت می‌توان امیدی وافر به تحقق آن ایجاد نمود و با تمسک به راهبردهای ثمربخشی که در این زمینه علمی مطرح می‌شود، به خصوص سه راهبرد هوشمندانه «تعدیر»، «اخذ به لوازم» و «مساحات مشترک» دوگانه مهمی را تحقق بخشید که عبارت است از تأسیس نظام دانش الهیات وحدت و مدیریت علمی اختلافات مذهبی به‌عنوان یک فرصت و دستیابی به شاخصه مهم «اصلیت» در هریک از فرقه‌های اسلامی.

کلیدواژه‌ها: الهیات کاربردی، الهیات وحدت، الهیات تقریب، مطالعات میان‌رشته‌ای، دیگرمرداری، گفتمان مذاهب.



سال اول / شماره ۱
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

اختلاف میان مذاهب اسلامی در جهان امروز، به‌خصوص میان مذهب شیعه و مذاهب اهل سنت، سابقه‌ای دیرین دارد و در طول تاریخ مشکلات بزرگ و تأسف‌باری را به وجود آورده است. این اختلاف، قرن‌های مدید ماهیتی جدلی و کلامی داشته و از منظر مطالعات آکادمیک در حیطه روابط انسانی به آن توجه نشده است. پیشرفت مطالعات مربوط به ارتباطات انسانی و اجتماعی و توجه به آنها با رویکردهای دینی که امروزه مورد توجه رشته‌های الهیات کاربردی است ممکن است تهدید و مصیبت بغرنج ناشی از چنین اختلافات عمیقی را به فرصتی مناسب برای شناخت کامل‌تر روابط انسانی و نیز زمینه‌سازی برای ترمیم و اصلاح آنها در جهت تقویت همبستگی اجتماعی به نحوی تبدیل نماید که علاوه بر رفع اختلاف میان مذاهب اسلامی، الگوی مشخص و متکاملی برای رفع مشکلات نظیر آن نیز فراهم سازد. میزان تکامل این الگو ارتباط مستقیم با شدت و وخامت درگیری و اختلافی دارد که به‌عنوان موضوع محوری رفع اختلاف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نتیجه‌ایجابی این مطالعات و دستیابی به یک الگوی پیشرفته، درعین حال تاییدی مضاعف برای حقانیت و اثربخش بودن آموزه‌های دینی از رهگذر به‌کارگیری آنها در چهارچوب‌های علمی مناسب نیز به شمار آید. برای این مقصود لازم است

ضمن توضیح مقوله‌هایی چون الهیات کاربردی و ساحت‌های آن، و نیز اشاره به الهیات وحدت که یکی از شاخه‌های مهم الهیات کاربردی است و نیز تبیین بین‌رشته‌ای در این زیرشاخه مهم، آن را به‌عنوان یک نظام دانش به حساب آورده و سپس برای زمینه‌سازی طراحی این نظام دانش به دو عنصر مهم مبانی و راهبردها نیز پرداخت. نشان دادن ظرفیت و آمادگی تجربی، ذهنی و علمی در اندیشمندان معاصر از طریق اسناد به آثار متمرکز ایشان در این خصوص نیز به انباشتگی یافته‌های مناسب به‌عنوان تسهیل‌گر و پشتیبان این طراحی مفید فایده خواهد بود و تراکم استنادها و ارجاعات به آنها را در این مقاله باید بر همین اثر تسهیل‌گری و پشتیبانی حمل نمود.

الهیات کاربردی^۱ شاخه‌ای از الهیات است که برای تعریف دقیق آن، ملاحظات فنی و پیچیده‌ای وجود دارد. اما کارکرد اساسی آن عبارت است از بررسی کاربرد آموزه‌های دینی در زندگی روزمره و مسائل اجتماعی (Miller-McLemore, 2012, p. 5). اگرچه «الهیات در عمل» قبل از سدهٔ اخیر به‌نحوی در ملاحظات آیین‌های دینی مورد توجه متفکران قرار داشته، با این حال، تا حد زیادی تنها معطوف به عمل روحانیون و تأثیر آن در ایجاد روحیهٔ معنوی در افراد بوده است تا جایی که برخی مدعی بوده‌اند که الهیات و دکتترین مسیحی در طول قرن‌ها مستقیماً از عمل کشیشی تکامل یافته است. اما با بروز تحولات فکری در آکادمی، به‌طور کلی، و نیز رشد دانش‌هایی چون روان‌شناسی و علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، در کنار ارزش‌یافتن و شناسایی روش‌های تجربی جدید برای مطالعهٔ مشکلات اجتماعی، و از سوی دیگر، اقبال فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی همچون یورگن هابرماس (۱۹۷۱)، کلیفورد گیرتز (۱۹۷۳)، استفان تولمین (۱۹۷۶)، پیر بوردیو (۱۹۷۷)، آلاسدر ماکینتایر (۱۹۸۵) و پل ریکور (۱۹۹۱) به مقولهٔ کنش و عمل کار میدانی، ارتباطات جدیدی بین تفکر، بودن و عمل برقرار گردید (Miller-McLemore, 2012, p. 3). به تدریج عمل و کنش به یک اصطلاح و موضوع مطالعهٔ جذاب تبدیل شد و بازتعریف عمل به‌عنوان الگویی از تعامل اجتماعی و تاریخی غنی که به افراد، جوامع و ایمان شکل می‌دهد، سبب ایجاد طیف گسترده‌ای از طرح‌های تأثیرگذار شد و بحث را در الهیات به‌سوی کاربرد تغییر جهت داد (Dykstra, 1991).

فرونسیس^۲ یا دانش عملی، اصطلاحی است که از اوایل دههٔ ۱۹۸۰ در احیای الهیات کاربردی به‌طور مکرر ظاهر شد و در بسیاری حرفه‌ها به‌عنوان نوعی هوش یا دانشی که دانشجویان حرفه‌ای و کالج‌ها به آن نیاز دارند و مدارس و کالج‌های حرفه‌ای باید آن را پرورش

1. Applied Theology

2. phronesis



دهند، مطرح شد (Shulman, 2004; Schwartz & Sharpe, 2010). در دهه ۱۹۸۰، محققان مشهور در چندین رشته الهیاتی گرد آمدند و آثار جمع‌آوری شده‌ای را منتشر کردند و محدودسازی الهیات کاربردی به بخشی کوچک از آکادمی را مورد انتقاد قرار دادند و تفسیرهای جدیدی از نقش الهیات کاربردی را آن هم در به‌طور گسترده (و شامل نه مضیق و محدود) ارائه کردند (Browning, 1983; Poling & Miller, 1985; Forrester, 1990; Ballard, 1986).

در سال‌های اخیر، همان‌طور که کسانی در فلسفه و علوم اجتماعی به دنبال راه‌های جدید برای درگیرکردن عمل با مباحث نظری بودند، محققانی که به‌طور سنتی در رشته‌های متنوع و مطالعات الهیاتی و دینی فعالیت می‌کردند، علاقه و انگیزه جدیدی به دین زیسته^۳، الهیات معمول^۴ و فرهنگ عامه پیدا کردند، در این خصوص می‌توان از دانش مردم‌نگاری^۵ به‌عنوان مثالی قابل توجه یاد نمود که توانست از رشته‌های نظری صرف به سوی ملاحظات عملی گام برداشته و عبور کند (Fulkerson, 2007; Moschella, 2008; Scharen & Vigen, 2011).

این تحولات بر مریبان و محققان در حرفه‌هایی مانند حقوق، پزشکی، پرستاری به قدری تأثیر گذاشت که مباحث تئوریک یا دانش نظری عینی (دانش صرفاً به خاطر دانش نه به خاطر کارایی و کاربرد) در آنها به‌عنوان بهترین وسیله برای یادگیری یک عمل حرفه‌ای زیر سؤال رفت (Sullivan & Rosin, 2008).

تمرکز توجهات علمی به مقوله عمل (و تمایل به شکل‌دادن به آن) موجب تمایززدایی تدریجی میان حوزه‌هایی مانند الهیات نظام‌مند و کاربردی، اخلاق، جامعه‌شناسی دین و حتی تاریخ کلیسا و مطالعات دینی گردید که پیش از آن از یکدیگر متمایز بودند (Hall, 1997; Marsh, 1997; Volf & Bass, 2002; Orsi, 2005; Maffly-Kipp et al., 2006; Ammerman, 2007; Fulkerson, 2007). در نتیجه، تعداد زیادی از تحولات فکری در داخل و خارج از محدوده مطالعات دینی و الهیاتی در محتوا با یکدیگر تلاقی کردند تا جذابیت موضوع عمل، مطالعه عمل و پیگیری راهبردهای آموزشی اصلاح‌شده برای نضج و رشد دانش عملی را فراهم آورند (Miller-McLemore, 2012, p. 3).

در چند دهه گذشته، جوامع دانشگاهی در زیرشاخه‌های الهیات کاربردی، برای پیشبرد تخصص‌های مرتبط تأسیس شد. جوامع و انجمن‌های ملی و بین‌المللی جامع‌تر در الهیات

3. lived religion
4. ordinary theology
5. ethnography



کاربردی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برای تقویت اهداف مشترک در بین زیرشاخه‌ها و نیز توسعه الهیات کاربردی به‌عنوان روشی برای سایر حوزه‌های برنامه‌داری الهیاتی تشکیل شدند. مجلات ملی و بین‌المللی در زیرشاخه‌ها و در کل الهیات کاربردی تأسیس گردید که به‌عنوان یک نمونه درخور توجه در این خصوص می‌توان از مجله بین‌المللی الهیات کاربردی^۶ یاد نمود. هم‌زمان با این تحولات، طرح‌های جدیدی در مورد دین زیسته، دین مادی، دین روزمره و اعمال مذهبی در دپارتمان‌های دین و مدارس الهیات تأمین مالی شده و برنامه‌های مبتکرانه‌ای با محوریت الهیات کاربردی در دانشگاه‌های منچستر، بیرمنگام و چستر در بریتانیا، و نیز برنامه الهیات و عمل در دانشگاه واندربیلت در ایالات متحده و دانشکده تحصیلات تکمیلی الهیات کاربردی در ایچون، کره تأسیس گردید. چنین جریان‌هایی در سطح جهانی، با مشارکت شخصیت‌هایی از امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی، اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا و اقیانوسیه رخ داد (Ackermann & Bons-Storm, 1998; Schweitzer, 1999; van der Ven, 1999; Miller-McLemore, 2012, pp. 3-4).

این در حالی است که برخی شخصیت‌ها و آثار علمی غربیان حتی از ناحیه طرفداران و حامیان الهیات کاربردی، در مقطعی زمانی در خصوص اینکه آیا الهیات کاربردی واقعاً یک رشته دانشگاهی را تشکیل می‌دهد، دچار تردید بودند (Farley, 1987, p. 1; van der Ven, 1999, p. 323; Lee, 2003, p. 171; Burck & Hunter, 2005, p. 867). به‌هرروی با گسترش فعالیت‌ها، برنامه‌های درسی، و مجامع علمی مرتبط با این عنوان، تردیدهای مذکور رو به افول نهاد.

اشاره به یک نکته مهم در این مرحله ضروری است و آن تفاوت جدی است میان الهیات رهبری معنوی با عنوان "pastoral theology" و الهیات کاربردی. اولی به وظایف و کارکردهای صنف روحانیون دینی (که با اصطلاح "Ministry" از آن یاد می‌شود) آن هم در طیف وسیعی از مسائل دنیوی و معنوی با هدف ترویج ایمان دینی یا انجام مأموریت‌های نهاد‌های دینی (مثل کلیسا) مربوط بوده و بر کاربرد ایمان در مراقبت معنوی افراد متدین در جمعیت‌های دینی تمرکز دارد. اما تمرکز دومی بر جنبه‌های مختلف و گسترده‌تری از زندگی انسانی و اجتماعی و نیز اصول و آموزه‌های الهیاتی در زمینه‌های گوناگون زندگی و جامعه است و نه تنها به مسائل مربوط به خدمات و وظایف روحانیون، که به دیگر جنبه‌های تعامل دین با جهان معاصر نیز توجه می‌کند (Miller-McLemore, 2012, p. 6).

به‌هرروی، با جدی‌شدن مطالعات کاربردی در حیطه الهیات، این زمینه علمی و مطالعاتی به دنبال یافتن پاسخ‌های عملی برای پرسش‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برآمد که از



متن‌های دینی نشئت می‌گیرند. بر همین اساس، مهم‌ترین اهدافی که می‌شود برای این رشته ذکر نمود عبارت است از:

- تفسیر آموزه‌های دینی: به گونه‌ای که بشود از آنها برای مسائل و چالش‌های دنیای معاصر بهره‌برداری نمود؛

- ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر ارزش‌های دینی برای مشکلات اجتماعی چون: فقر، بی‌عدالتی، تعارضات و تنازعات اجتماعی، جنگ، و محیط زیست؛

- ایجاد ارتباط معنادار میان اعتقادات دینی و زندگی روزمره افراد؛
- بررسی و توسعه اخلاق دینی.

الهیات کاربردی برای دستیابی به این اهداف، در حیطه‌های مختلفی فعال است که از جمله آنها می‌توان از موارد ذیل یاد نمود (اکبری، ۱۴۰۲؛ Miller-McLemore, 2012, p. 9; McGrath, 2006; Root, 2014, pp. 271-297):

- الهیات اجتماعی: بررسی ارتباط دین با جامعه و سیاست و نقش دین در شکل‌دهی به نهادهای اجتماعی و سیاسی؛

- الهیات سیاسی: بررسی نقش دین در سیاست و حکمرانی و رابطه میان دین و دولت؛

- الهیات اقتصادی: بررسی مسائل اقتصادی از منظر دینی، از قبیل عدالت اقتصادی، مصرف‌گرایی و نقش کسب و کار؛

- الهیات فرهنگی: ارتباط ایمان با هنر، رسانه و فرهنگ؛

- الهیات محیط زیست: بررسی مسئولیت انسان مؤمن در برابر محیط زیست از منظر دینی و راهکارهای دینی برای حفظ محیط زیست؛

- اخلاق کاربردی: بررسی مسائل اخلاقی معاصر مانند سقط جنین، به‌مرگی (اتانازی یا قتل از روی ترحم)؛

- مهندسی ژنتیک و مسائل زیست‌محیطی از منظر اخلاق دینی؛

- تعاملات بین دینی یا بین مذهبی: بررسی چالش‌ها و فرصت‌های تعامل با دیگر ادیان یا مذاهب؛

- آموزش و مشاوره: کاربرد آموزه‌های الهیاتی در آموزش عمومی و درمان‌های روان‌شناختی؛

- مسائل مدرن: تحلیل موضوعاتی همچون تغییرات اقلیمی، فناوری، عدالت اجتماعی و جهانی‌سازی.

ملاحظه این حیطه‌ها بر این پیش‌فرض استوار است که اساساً دین به‌منظور تأثیر بر بینش و کنش فردی و اجتماعی انسان‌ها در اختیار بشر قرار گرفته و علاوه بر اصلاح ارتباط میان هر فرد و خدای متعال، جنبه‌های گوناگون زندگی دنیوی او را در جهت ایمان اخروی تحت تأثیر و



اصلاح قرار می‌دهد.

در حوزه‌ی الهیات اجتماعی، یکی از پیامدهای مهم الهیات و ایمان دینی، عبارت است از تنظیم و تدبیر مناسبات اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی میان افراد متدین و تنظیم این مناسبات میان آنها و افراد معتقد به سایر ادیان. چنین پیامدی، به‌خصوص در ادیان ابراهیمی و مبتنی بر وحی قابل مشاهده است.

براین اساس می‌شود گفت که دین اسلام به‌عنوان یکی از ادیان مهم در این حیطه، از آموزه‌های جدی و درخور توجهی برخوردار است که در تبیین ابعاد و کارکردهای الهیات کاربردی، کارا و مؤثر است. در آموزه‌های دین اسلام، مناسبات اجتماعی اهمیت بسیار دارد و قرآن و سنت و روایات اسلامی حاوی قواعد و دستورالعمل‌های مفیدی درخصوص شکل‌گیری مناسب و تقویت مناسبات مذکور و نیز اجتناب و پرهیز از هرگونه آسیب‌رسانی به این مناسبات است (در این خصوص، خادم جهرمی، ۱۳۸۷؛ صفار، ۱۳۸۶).

آیات الهی با ترغیب مؤمنان به تعقل و عقل‌ورزی در آیات و اختصاص موارد متعددی از آیات و عبارات الهی به مسائل اجتماعی، انگیزه‌های عالمان در توجه و تعمق به آموزه‌های دینی مرتبط با این مقوله را مضاعف می‌سازد. شکل‌گیری تفاسیر اجتماعی و نیز اقبال عالمان تفسیر عمومی به جنبه‌های اجتماعی آیات الهی از جمله نتایج این رویکرد در آموزه‌های دینی است (ناظمی و چهری، ۱۴۰۲).

الهیات وحدت یا همگرایی دینی

برقراری همبستگی اجتماعی و آفت‌شناسی چالش‌ها و شکاف‌های اجتماعی و عبرت‌اندوزی در جهت اهمیت‌بخشی به وحدت اجتماعی یکی از موضوعات مهم در الهیات اجتماعی است که در این مقاله از آن با عنوان «الهیات وحدت» یاد شده است. الهیات وحدت در جهان مسیحی عموماً با اصطلاح «otherness» یا «ecumenism» و در مفاهیم معاصر اسلامی معمولاً با عنوان «تقریب» شناخته می‌شود و یکی از جنبه‌های مهم الهیات اجتماعی به شمار می‌آید. اصطلاح «Otherness» (دیگرمداری) در حوزه‌ی مطالعات بین فرهنگی و بین دینی به معنای شناخت، درک و احترام به تفاوت‌های فرهنگی، اعتقادی و هویتی بین افراد و گروه‌هاست. اصطلاح «ecumenism» نیز از ریشه‌ی یونانی «oikoumene» به معنای جهان‌شمولی است که در مباحث الهیات وحدت، به وحدت و تقریب میان فرقه‌های مسیحی اطلاق می‌شود و البته برخی نویسندگان، مجموعه‌ی فعالیت‌های تقریبی میان فرقه‌های مختلف اسلامی را نیز از مصادیق آن برشمرده‌اند (Brunner, 2004؛ برانر، ۲۰۱۵) و موضوع مهم جهان‌شمولی اسلامی نیز از جمله نمونه‌های مهم بروز و ظهور آن تلقی می‌شود (علی‌قنبری، ۱۳۸۲ ش).



این نوع همبستگی البته محصور و منحصر در گفت‌وگوهای بین فرقه‌ای و مذهبی نبوده و شامل گفت‌وگوهای بین‌الادیانی نیز می‌شود و در برخی منابع، اولین نمونه‌های تاریخی آن به دوران اکبرشاه، پادشاه معروف گورکانی (حکومت از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ هجری قمری) بازمی‌گردد. او ی‌کی از امپراتورهای بزرگ تاریخ هند بود که با ایجاد وحدت و ثبات در هند، زمینه را برای شکوفایی فرهنگ و تمدن هندی فراهم کرد. تسامح دینی و سیاست‌های مدبرانه اکبرشاه، الگویی برای حکومت‌داران بعدی بود. او به‌منظور برقراری فضای گفت‌وگو میان ادیان و مذاهب مختلف، رهبران مذهبی را در مکانی به نام «عبادت‌خانه»، آن هم قبل از برگزاری نماز جمعه، گرد یکدیگر جمع می‌نمود (Howard, 2021, p. 3). پس از مرگ اکبرشاه، هم در شرق و هم در غرب، شواهد کمی از گفت‌وگوهای میان‌دینی و بین‌المذاهبی عمده و رسمی تا دوران مدرن وجود دارد. البته برخی تلاش نادرشاه افشار برای رفع اختلافات فرقه‌ای و ایجاد فضای مسالمت‌آمیز میان مذاهب شیعی و سنی و نیز تحقق جنبش اصلاح‌گرا در الازهر مصر و عالمان آن از یک طرف و ملاحظات مرحوم آیت‌الله بروجردی و پیروان ایشان در ابتدای قرن بیستم را نیز از جمله همین فضای گفت‌وگوی رسمی به شمار آورده‌اند (Brunner, 2024, pp. 45-50). الگوی اکبرشاه در دهه هشتاد و نود میلادی، الهام‌بخش فعالیت‌های گفتمانی میان مذاهب و ادیان در غرب گردید (Howard, 2021, pp. 4-6). ماحصل این تلاش‌ها تحقق یک ارتباط وثیق میان گفتمان میان‌ایمانی و کنش اجتماعی میان‌ایمانی بود که برخی، مرز میان آنها را بسیار باریک تصویر کرده‌اند (Howard, 2021, p. 6). کنش اجتماعی میان‌ایمانی، یا به عبارتی، همبستگی دین‌مدار مهم‌ترین فرآورده‌های این جنبش مهم علمی و دینی است.



مطالعات میان‌رشته‌ای و الهیات وحدت

با توجه به ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای در کاربردی‌سازی رشته‌های دانشگاهی و نیز اهمیت الهیات وحدت در مجموعه موضوعات مربوط به الهیات کاربردی، لازم است مبنای میان‌رشته‌ای در شکل‌گیری نظام دانش برای عنوان «الهیات وحدت» را نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد و مشخص نمود کدام نوع و تیپ از این سنخ مطالعات برای تحقق این نظام دانش شایسته بوده و اقتضات و لوازم آن از جمله مبانی و راهبردهای کارآمد مربوط به آن چیست.

مطالعات میان‌رشته‌ای سلسله‌مراتبی: الهیات کاربردی، دارای ماهیتی چندحیثیتی^۷ یا، به تعبیر دیگر، چندرشته‌ای است (Miller-McLemore, 2012, p. 5). نظام‌های

مختلف دانش (یا به عبارتی «علم» به معنای خاص کلمه: شامل علم ریاضی، علم فقه، علم فلسفه و نظایر اینها که به زبان فارسی معادل غیردقیق «رشته» برای آنها شهرت یافته)، در ارتباط با یکدیگر می‌توانند گونه‌های مختلفی از ارتباط را برقرار نمایند. البته برقراری این ارتباط در بسیاری موارد به‌طور طبیعی مانع از تخصص‌گرایی و توزیع‌گرایی افراطی علمی می‌شود. این نوع مطالعات دارای اقسام چهارگانه هستند که می‌شود آنها را به‌صورت جداگانه و منفک مورد توجه قرار داد. اما دقت افزون‌تر به ویژگی‌ها و شاخص‌های هر یک از این انواع ممکن است به نوعی ملاحظه سلسله‌مراتبی از آنها منجر شود که در این ملاحظه، سخن از مراحل آغازین، میانه و نهایی در ارتباط به میان خواهد آمد که هر یک از انواع پیش‌گفته بر این مراحل تطبیق خواهد گردید. برای روشن شدن این موضوع ابتدا باید به اقسام ارتباط پرداخت و سپس رابطه سلسله‌مراتبی آنها را بیان نمود:

انواع ارتباط میان نظام‌های دانش: گونه‌شناسی مطالعات مشترک میان نظام‌های مختلف دانش در منابع مربوط مورد توجهی دقیق قرار گرفته و براساس همین مطالعات – که نمونه آن در (Klein, 2017) قابل مشاهده است – می‌شود مهم‌ترین تیپ‌های این سنخ مطالعات را به شکل زیر بیان کرد:

الف) رابطه چندرشته‌ای^۸: میان دو یا چند رشته علمی در یک فضای آکادمیک یا یک نظام واحد دانشگاهی است بی‌آنکه کوششی برای اتحاد یا تلفیق آنها صورت پذیرد. نحوه توزیع دروس در مدارس و نظام آموزش و پرورش که شماری از علوم در قالب کتب و دروس متنوع (ریاضی، فیزیک، شیمی، ...) به دانش‌آموز ارائه می‌شود بهترین نمونه برای این نوع رابطه به شمار می‌آید. ارتباط از نوع چندرشته‌گی، معمولاً سبب بروز دانایی جدیدی بیرون از مرزهای تک‌رشته‌ای نمی‌شود.

ب) ارتباط ترارشته‌ای^۹: که میان علوم البته دارای سابقه‌ای طولانی است و در دهه‌های اخیر نیز رو به رشد بوده است. در این نوع ارتباط، دو یا چند دانش با تعیین نقش خادم و مخدوم در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و دانش خادم امکانات خود از قبیل روش یا الگوی مطالعه یا نتایج و مفاهیم خود را در اختیار دانش مخدوم قرار می‌دهد. کاربرد دانش‌های خادم مثل ریاضیات، زبان، رایانه، اقتصاد در سایر علوم انسانی یا غیرانسانی نمونه‌های مهمی از این نوع ارتباط به شمار می‌آیند.

ج) ارتباط «رشته‌ای مضاف»^{۱۰} میان دو یا چند نظام دانش برقرار می‌گردد که یکی از آنها

8. Multi.disciplinarity

9. trans.disciplinarity

10. cross.disciplinarity



موضوع بررسی سایر دانش‌ها قرار گرفته و با مطالعه آن، نوعی توسعه در رشته مطالعه‌گر ایجاد می‌شود. فلسفه‌های مضاف از این قبیل هستند.

د) ارتباط میان رشته‌ای^{۱۱}: که در آن دو یا چند نظام دانش در یک ارتباط همگرا و ارگانیک با یکدیگر به‌منظور شکل‌دهی به یک دانش جدید حرکت می‌کنند. این دانش جدید پیشتر موجود نبوده و تحقق آن در روابط میان دو یا چند رشته، مهم‌ترین دستاوردی است که وجود خواهد داشت. در صورتی که چنین علم جدیدی شکل پیدا کند، اعتبار آن به خود است (یعنی علم مخدومی وجود ندارد که لازم باشد این علم جدید اعتبار خود را به آن ثابت کند). شاید علوم شناختی که بر اثر ارتباط میان چند علم مانند فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم رایانه، به‌عنوان یک دانش جدید شکل گرفته است، بهترین مثال برای این ارتباط تلقی شود.

تلاش نویسندگان در تبیین کارکردهای الهیات (هم به‌عنوان یک نظام دانش و حتی به‌عنوان یک سبک پژوهش) حاکی از تحقق تمامی ارتباطات یادشده است (Miller-McLemore, 2012, pp. 6-7). بر این اساس می‌شود گفت الهیات و مطالعات دینی در تقسیمات مربوط به ارتباط میان دانش‌ها در نوع اول شاید از سنخ موضوع و درس معارف اسلامی با یک متن و سبک واحد در میان انواع دروس و موضوعاتی تلقی گردد که برای تمامی رشته‌های دانشگاهی به‌نحوی یکسان عرضه می‌شود. همچنین، معارف و الهیات اسلامی در عناوینی چون فقه‌الاقتصاد، فقه‌السیاسة، فقه‌الطبابة، فقه‌الادارة، تفسیر علمی، تفسیر اجتماعی و نظایر اینها می‌تواند برخوردار از ارتباط قسم دوم قلمداد شود. عناوینی چون فلسفه فقه، انسان‌شناسی دینی، جامعه‌شناسی قرآنی را نیز می‌شود از موارد ارتباط نوع سوم دانست. آنچه در این میان بسیار مهم است، شکل‌دهی به ارتباط نوع چهارم میان علوم همراه با الهیات است که ضمن برخورداری از هویتی متفاوت، با جنبه‌های کاربردی بتواند نیازهای مهم بشری را نیز پوشش دهد. در این خصوص، مبنای مورد نظر این مقاله دانشی است با عنوان «الهیات وحدت»، مشتمل بر مجموعه‌ای از مطالعات برگرفته از نظام‌های مختلف دانش به‌همراه ملاحظات دینی و الهیاتی که می‌شود آن را به‌عنوان یک نظام دانشی^{۱۲} متفاوت و متمایز معرفی نمود. ملاحظه سلسله‌مراتبی میان انواع مطالعات میان‌رشته‌ای و مثال‌هایی که در هر مورد با محوریت علوم دینی ذکر گردید نشان می‌دهد که هر یک از ارتباطات یادشده در مراتب چهارگانه، پیش‌نیاز ارتباط بعدی خواهد بود و عطف توجه به این پیش‌نیازی ممکن است در طراحی برنامه‌های درسی دانشگاهی از مرحله موضوع و درس تا مرحله طراحی یک نظام دانشی و رشته تحصیلی



11. interdisciplinarity

12. discipline

پیش رود.

در نظر گرفتن موضوع و واحد درسی تقریب یا "ecumensism" به عنوان یک درس و واحد عمومی، در مرحله نخست، و سپس ملاحظه عناوینی چون فقه تطبیقی، کلام تطبیقی، تفسیر تطبیقی و نظایر اینها در مرحله دوم، و همچنین، توجه به اموری چون کلام تقریبی، فقه تقریبی، حقوق تقریبی، تفسیر تقریبی در مرحله سوم (که باید آن را معادل "ecumenials" دانست) و نهایتاً طراحی رشته الهیات تقریب یا الهیات وحدت با عنوان پیشنهادی "ecu-menics" در مرحله نهایی، از پیامدهای این رویکرد سلسله‌مراتبی خواهد بود. بر این اساس، می‌شود تمرکز همه نهادهای علمی و آکادمیک که به نحوی به موضوع تقریب و همبستگی اجتماعی در کارکردهای دینی آن توجه نموده‌اند را بسته به نحوه و نوع تمرکز آنها در هر یک از مراحل چهارگانه، در یکی از دو مقوله دسته‌بندی نمود: (۱) نهادهایی حصرگرا: که یا به مرحله اول اکتفا کرده‌اند یا علاوه بر آن به سمت مرحله دوم و حتی سوم نیز پیش رفته‌اند اما دستیابی به مرحله چهارم در دستور کار ایشان نیست. (۲) نهادهای جامع و آرمان‌گرا: که از مراحل اول تا سوم عبور کرده و دستیابی به مرحله چهارم را وجهه همت خویش قرار داده‌اند.

کارکردهای تقریب در مرحله اول: توصیف تقریب و تبیین آن به عنوان موضوعی کارآمد برای مواجهه با اختلافات فرقه‌ای و مذهبی در ضمن ارائه تصویری دقیق از منازعات فرقه‌ای که از اوایل ظهور اسلام تا کنون، وضعیت خطرناک و دشواری را در جامعه مسلمانان به وجود آورده و با ایجاد شکاف‌های اجتماعی، علاوه بر تضعیف وحدت و همبستگی اجتماعی میان جمعیت مسلمانان، فضای مناسبی را برای دشمنان اسلام و قرآن در خصوص مقابله با جماعت مسلمین فراهم آورده است. این تبیین برای مخاطبان آن به عنوان افکار عمومی، ممکن است هشدار مناسب و راهنمایی روشن‌گر در خصوص پیشینه اختلافات و توجه به اهمیت رفع آنها و پشتیبانی از حرکت‌های اصلاحی در مسیر تحقق وحدت اجتماعی میان مسلمین به شمار آید. کارکردهای تقریب در مرحله‌های دوم و سوم: به‌کارگیری رویکردهای تقریبی و تطبیقی عاملی مهم در خصوص علمی‌سازی اندیشه‌های تقریبی در مطالعات دانشگاهی به شمار می‌آید و نشان می‌دهد چنین رویکردهایی ممکن است علاوه بر همبستگی اجتماعی، اتحاد و همگرایی علمی میان دانشمندان مسلمان از فرقه‌های مختلف را فراهم آورد که با همت جمعی ایشان، به رشد و توسعه و تدقیق زمینه‌های مختلف علمی و وسعت بخشیدن به دامنه اثرگذاری آنها بینجامد.

کارکرد الهیات وحدت و تقریب در مرحله چهارم: شکل‌گیری یک نظام دانشی جدید بر مبنای تقاطع میان حیطه‌های مختلف علمی از علوم دینی گرفته تا روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ و روابط اجتماعی، اخلاق، فلسفه و کلام، تاریخ و مانند اینها است که با جامعیتی



درخور می‌تواند علاوه بر کارکردهای پیش‌گفته، آثار خاصی از خود بروز داده و به طراحی راهبردهای فراگیر درخصوص تحقق همبستگی و وحدت اجتماعی در جوامع دینی و اسلامی منتهی شود. غایت نهایی این نظام دانشی جدید نیز پدیده‌ای است که در این مقاله از آن به «اصلیت فرقه‌ها» تعبیر شده است. اگرچه طراحی جامع این راهبردها منوط به شکل‌گیری کامل این نظام دانشی است، با این حال با توجه به تلاش‌های علمی که تاکنون درخصوص وحدت و تقریب صورت گرفته (و میزان تکثر و تنوع آن در سطور بعدی با ارجاعات متعدد نشان داده شده و یافتن مجموعه آنها صرف وقت معتنا بهی را اقتضا نموده اما به منظور جلوگیری از تراکم متن اصلی این مقاله، به پاورقی منتقل گردیده)، می‌شود به‌طور اجمالی به بیان برخی از اصول و مبانی مربوط به این راهبردها پرداخته و نشان داد که شکل‌گیری نظام دانشی مذکور، براساس این اصول و مبانی، امری است محتمل و در دسترس.

اصول و راهبردهای الهیات وحدت: یکی از موانع جدی در برابر دستیابی به نظام دانشی الهیات وحدت، کفرانگاری است که متأسفانه هنگام درگیری‌های فرقه‌ای دام‌نگیر اطراف درگیر می‌شود. هریک از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی به دلیل اصولی قلمداد کردن انگاره‌ها و باورهای خویش، کلیه فرق و گروه‌های فاقد آن را از دین خارج دانسته و احکام کفر و الحاد بر ایشان جاری می‌نماید. چنین اتفاقی، با تخریب زمینه‌ها و فضای مناسب برای تعامل میان جریان‌ها و فرقه‌های مختلف، عملاً ایجاد یک بنای علمی متین برای عمل وحدت‌بخش را ناممکن می‌سازد. به همین دلیل، جامع‌گروی دانشی در حوزه الهیات وحدت و تقریب، مقتضی اندیشه و تأمل جدی دربارهٔ معالجهٔ چنین آسیب بزرگی است. برخی متفکران با وجود حسن نظر به تلاش‌ها و مجاهدت‌های عالمان و شخصیت‌های تقریبی، مهم‌ترین معضلی که در این خصوص وجود دارد و به‌نحوی مجموعه تلاش‌های مذکور را بی‌اثر ساخته، عدم دستیابی به مبنا و نیز راهبرد اساسی درخصوص عینیت‌بخشی به وحدت و تقریب دانسته‌اند. رویکردهای تقریبی در جوامع مسیحی و غیراسلامی، مهم‌ترین مبنا را در این خصوص حرکت‌ها و اقدامات وحدت‌بخش از سوی کلیساها و نهادهای دینی دانسته‌اند و این به دلیل ماهیت خاصی است که این نهادها از آن برخوردارند. اما جالب اینجاست که تقریباً تمامی پیشنهادهایی که درخصوص عملکرد نهادهای دینی مذکور ارائه شده تا کنون پیامدهای رضایت‌بخش نداشته و همین نشان می‌دهد که شرط کافی برای تحقق هدف مذکور را باید در چیزی غیر از نهادهای دینی جست‌وجو کرد و آن همانا عبارت است از مبانی و راهبرد قابل اعتماد تقریبی.

مبانی سه‌گانه الهیات وحدت: الهیات وحدت بر سه مبنا مهم استوار می‌گردد که هریک از آنها پشتوانهٔ اساس کنش‌های تقریبی است که میان فرقه‌های مختلف یک دین واحد و حتی ادیان دیگر صورت می‌گیرد:



۱) تاکید بر اصل وحدت به‌عنوان یکی از آموزه‌های ضروری دینی که تبعیت از آن برای عموم مؤمنان واجب و لازم است و عدم تعارض و تنافی آن با اختلافات فرقه‌ای و لزوم عدم تنازل از ایمان مذهبی و احق دانستن باورهای هریک از فرقه‌ها از سوی پیروان آن و خودداری از بستن باب بحث‌ها و احتجاجات فرقه‌ای و نیز مباحث تاریخی مربوط به اختلافات و اشتراکات در باورهای مذاهب و تایید تکثرهای مذهبی و فرقه‌ای و نیز احترام به باورهای اختصاصی فرقه‌ها و مذاهب، قول به اختیار و حریت در گزینش فرقه و مذهب^{۱۳}.

۲) لزوم بصیرت عمومی و نیز حرفه‌ای در خصوص یافتن راهکارها و راهبردهای وحدت و تقریب در حیطة‌ها و سطوح مختلف اجتماعی و علمی؛ و باور به امکان مهار و مدیریت اختلاف در چهارچوب توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی در آموزه‌های دینی با تاکید بر مواضع، اندیشه‌ها و سخنان شخصیت‌های دینی و مذهبی در خصوص وحدت و تقریب و سابقه حرکت‌های تقریبی^{۱۴}.

۳) توجه به ارزش‌های تقریبی و نیز رشد اخلاقی و تربیتی در خصوص تقریب: اهمیت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و حسن ظن و تفاهم و حس برادری در میان مؤمنان ولو از فرقه‌های مختلف^{۱۵}.



۱۳ در این خصوص بنگرید به: تسخیری، ۱۳۹۱، ص. ۸۱-۹۲؛ میرآقایی، ۱۴۲۱ق.، ص. ۷۲-۸۳؛ عبدالهادی، ۱۴۳۲ق.، ص. ۱۳-۱۸؛ بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۳۸-۴۱. در خصوص فتاوی مراجع تقلید در این موضوع بنگرید به: میرآقایی، ۱۴۲۸ق.

۱۴. در مورد آیت‌الله بروجردی و اندیشه‌های وحدت‌مدار او بنگرید به: ابادری، ۱۴۲۸ق.، ص. ۹۳-۱۱۴. در مورد کاشف‌الغطاء و اندیشه‌های تقریبی او بنگرید به: ساعدی، ۱۴۲۸ق. در مورد امام موسی صدر و اندیشه‌های تقریبی او بنگرید به: پورصباغ، ۱۴۲۸ق.، ص. ۱۰۹-۱۳۴؛ شراره، ۱۴۲۴ق.، ص. ۹۳-۱۱۰. در مورد تقریب از دیدگاه محمدتقی حکیم بنگرید به: شراره، ۱۴۲۹ق.، ص. ۸۶-۹۲؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. د، ص. ۳۵۷-۳۶۴. در مورد مبانی تقریب در اندیشه محمدباقر حکیم مراجعه کنید به: آذرشب، ۱۴۲۹ق.، ص. ۱۲۹-۱۳۳. در مورد افکار تقریبی عبدالکریم زنجانی نگاه کنید به: آل ثابت، ۱۴۲۷ق.، ص. ۴۱-۸۰. در مورد اندیشه‌های تقریبی محمدجواد مغنیه نگاه کنید به: مهدی احمدی، ۱۴۲۸ق. الف، ص. ۵۳-۶۴. در مورد نقش مرجعیت و حوزه‌های علمیه در تقریب نگاه کنید به: حکیم، ۱۴۲۴ق.، ص. ۸-۳۶. همو، ۱۴۲۸ق.، ص. ۴۷-۷۰. در مورد نقش و اهمیت مواضع و اندیشه‌های شیخ محمود شلتوت بنگرید به: علی احمدی، ۱۴۲۸ق.، ص. ۴۹-۹۱؛ فتح‌الله، ۱۴۲۵ق.، ص. ۱۳۱-۱۳۸؛ الشال، ۱۴۲۵ق.، ص. ۱۷۱-۱۸۵؛ امام، ۱۴۲۵ق.، ص. ۲۱۵-۲۴۲؛ بیومی، ۱۴۲۵ق.، ص. ۲۴۳-۲۶۰؛ هویدی، ۱۴۲۵ق.، ص. ۲۶۱-۲۸۰؛ واصل، ۱۴۲۹ق.، ص. ۳۷۷-۴۰۰. درباره نهضت و اندیشه تقریبی و اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی بنگرید به: خسروشاهی، ۱۴۳۱ق.، ص. ۲۰۹-۲۲۶؛ الفردان، ۱۴۲۹ق.، ص. ۳۶۵-۳۷۶. در مورد اندیشه‌های تقریب و وحدت نزد علامه شرف‌الدین نگاه کنید به: تسخیری، ۱۴۲۹ق. الف، ص. ۲۷۱-۲۷۸. در مورد دیدگاه‌های تقریبی و توحیدی کاشف‌الغطاء بنگرید به: الغدیری، ۱۴۲۹ق.، ص. ۳۳۷-۳۵۲. در مورد اندیشه‌های تقریبی شیخ محمد غزالی و ده قاعده محکم تحکیم وحدت امت اسلامی که او به اصول بیست‌گانه حسن‌البناء اضافه کرد نگاه کنید به: نجفی بهبهانی، ۱۴۲۸ق.، ص. ۱۱۹-۱۳۰؛ حماد، ۱۴۲۹ق.، ص. ۳۵۳-۳۵۶. در خصوص نمونه‌یابی حرکت‌های ایجابی در تقریب نگاه کنید به: بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۴۷-۵۳.

۱۵. در خصوص برادری و اخوت اسلامی، عوامل تحکیم، راهکارها، موانع و نقش دانشمندان در آن بنگرید

راهبردهای مهم در الهیات وحدت

مهم‌ترین رکن در الهیات وحدت، موضوع مشترکات است. این مشترکات را می‌شود به دو بخش تقسیم کرد: مشترکات واقع (یعنی آنچه بالفعل و واقعاً میان مسلمانان و مذاهب مختلف اسلامی مشترک است) و مشترکات تحقق‌پذیر (برای فراهم‌سازی آن نیاز به تلاش و فعالیت علمی مستمر و هماهنگ است تا به دایره مشترکات مورد اعتقاد همه فرق اسلامی مبدل شده و مساحت باورهای مشترک را توسعه بخشد). هسته اصلی مشترکات واقع را باورهای پایه و مشترک میان فرق اسلامی تشکیل می‌دهد و کانون مهم مشترکات تحقق‌پذیر را نیز مواردی تشکیل می‌دهد که با تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح علمی می‌شود به آن دست یافت.

تبیین راهبردهای سه‌گانه به‌منظور دستیابی به مشترکات واقع و توسعه‌بخشی به مشترکات تحقق‌پذیر:

(۱) تحلیل باورها، روش‌ها و ایده‌های هریک از فرق و مذاهب اسلامی و تفکیک آنها به دو حیطه پایه عمومی (که مرزبندی ایمان دینی وابسته به آن است) و غیرپایه، و تقسیم باورهای غیرپایه به مشترک و غیرمشترک: تعریف باورهای پایه براساس مبانی و آموزه‌های دینی و چهارچوب‌دهی به حیطه دین‌باوری براساس باورهای پایه و فرعی‌انگاری سایر باورها در این چهارچوب^{۱۶}.

(۲) توجه به ابعاد و مساحت مشترک باورها، و عقاید مذاهب اسلامی که به‌نحو اعجاب‌انگیز بسیار بیشتر از مسائل اختلافی است (هویدی، ۱۴۲۵ق.، ص. ۲۶۳) و ممکن است عملکردی وحدت‌بخش و نزدیک‌ساز میان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی داشته باشد اما در طول تاریخ کمتر به آن توجه شده است (برای ملاحظه بحث درمورد مشترکات و نیز ضرورت ملاحظه آنها در الهیات وحدت و تقریب، خجملی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۹-۲۸۲).

(۳) تلاش برای توسعه مساحت مشترک در عرصه باورها (بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۴۱-۳۸؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۴۰) با توجه به قواعد راهبردی تحکیم‌ساز.

الف) اصل تأویل: احتمال تفسیر موجه از احکام یا پدیده‌ها یا اتفاقات به‌نحوی که رافع هر

به: سجادی، ۱۳۸۶. درمورد ارزش‌های تقریبی نگاه کنید به: بلبشیر، ۱۴۳۲ق.؛ طریفی، ۱۴۱۸ق.، ص. ۳۰۹-۳۲۵. درمورد توصیه‌های اخلاقی و ارزشی درمورد وحدت و تقریب بنگرید به: ابوالصل، ۱۴۲۶ق.، ص. ۲۹۵-۴۲۴.

۱۶. برای نمونه بنگرید به: تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۴۰-۲۴۱؛ هلالی، ۱۴۲۶ق.، ص. ۱۹-۲۴؛ بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۴۲؛ قصیرالعاملی، ۱۴۱۸ق.، ص. ۳۰۱-۳۰۵؛ شراره، ۱۴۲۹ق.، ص. ۸۹-۹۰. درمورد افکار و ایده‌های مشترک میان فرقه‌های اسلامی بنگرید به: فراهانی، ۱۴۲۷ق.؛ مبلغی و وردی، ۱۴۱۸ق.، ص. ۲۷۱-۲۸۴؛ منتظر قائم، ۱۴۲۶ق.؛ اسدی‌نسب، ۱۴۲۶ق.؛ رضانژاد، ۱۴۱۸ق.، ص. ۲۲۹-۲۶۹.



نوع کفر یا بدعت باشد (تسخیری، ۱۴۲۹ق. الف، ص. ۲۷۵-۲۷۶؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۷۵). مبنای مهم این اصل را نوعی رویکرد خوش‌بینانه و صحت‌طلبانه (به جای نگاه تخصمی و بدبینانه) در نوع فهم افراد از حقایق و امور دینی تشکیل می‌دهد.

ب) پیاده‌سازی اصل تعذیر در حیطه اختلافات مربوط به باورهای غیرپایه (غیرمشترک) (بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۳۹؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۴۱). تعذیر نوعی موجه‌دانستن طرف مقابل در تلاش‌هایی است که به‌منظور تحصیل اعتقاد به باورهای خویش آن هم در حد توان و قدرت انجام داده و مبتنی است بر اصل قرآنی: انتفاء تکلیف مازاد بر توان بندگان.

ج) جلوگیری و امتناع از اصل تبزی درباره مخالفان در باورهای غیرپایه (بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۴۰-۴۱؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۴۱، ۲۷۵).

د) ملاحظه قاعده اخذ به لوازم به‌عنوان مانع جدی برای تقریب در الهیات وحدت (بلبشیر، ۱۴۳۲ق.، ص. ۴۰؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ب، ص. ۲۴۱). بر مبنای این قاعده، الزام سایرین به لوازم سخنان و باورهای دینی، و حتی اجتماعی، سیاسی و علمی در بسیاری موارد مقرون به صحت نیست.



تبیین راهبردهای سه‌گانه مربوط به مشترکات تحقق‌پذیر:

- ۱) اصلاح نظامات و نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بر مبنای اقتضائات وحدت و تقریب (در این خصوص بنگرید به ایده‌های مهم شیخ محمد عبده در: مهدی احمدی، ۱۴۲۸ق. ب، ص. ۱۱۳-۱۶۸).
- ۲) طراحی اقدامات مشترک سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی و بهره‌برداری از هسته‌های مشورتی متشکل از دانشمندان و متخصصان دینی از فرقه‌های مختلف (آصفی، ۱۴۲۹ق.، ص. ۸۵-۱۰۴؛ تسخیری، ۱۴۲۹ق. ج، ص. ۲۸۹).
- ۳) وحدت در هدف در موارد تمایز و تغایر تلاش‌های تقریبی (به‌عنوان یک نمونه کاربردی بنگرید به تمایز میان سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده در: مهدی احمدی، ۱۴۲۸ق. ب، ص. ۱۳۷-۱۴۷).

غایت نهایی نظام دانشی الهیات وحدت

تحقق راهبردهای مورد اشاره براساس مبانی پیش‌گفته با توسعه‌بخشی به باورهای مشترک و به‌رسمیت‌شناختن باورهای غیرمشترک، هریک از فرقه‌های اسلامی را به فرقه‌ای مبدل خواهد ساخت که از مجموعه اتهامات و انتسابات تهاجمی و سلبی نسبت به سایر مذاهب مبرا بوده و با منش و روش زیست خود، به مجموعه توصیه‌های دینی در خصوص حفظ وحدت و

همبستگی جامعه دینی (اخوت اسلامی) عمل می‌کند. نمونه عملیاتی در این خصوص (که به همه فرقه‌های اسلامی قابل تسری است) در رویکردهای دانشمندان چون عبدالجلیل قزوینی در کتاب ارزشمند النقص (۱۳۵۸ش) درباره مفهوم «شیعه اصلی» دیده می‌شود که بسیار راهگشاست و البته بررسی جوانب علمی آن از حوصله این نوشتار خارج است، لذا به نوشتاری دیگر موکول می‌گردد. اما اجمالاً می‌شود گفت قزوینی ضمن تشریح و تصویر دیدگاه‌های «شیعه اصلی» و توضیح مشترکات و مفترقات مربوط به این فرقه با سایر فرقه‌های اسلامی، بسیاری از باورها و عقایدی که منشأ اختلاف پدمانه میان شیعه و غیرشیعه است را به «شیعه اصلی» منتسب ندانسته است.

نتیجه‌گیری

الهیات وحدت (تقریب) یکی از شاخه‌های مهم الهیات کاربردی هم به‌عنوان یک نظام دانش مبتنی بر روش و رویکرد تلفیقی و بین‌رشته‌ای و هم به‌عنوان یک سبک و روش تحقیق و پژوهش به شمار می‌آید. از آنجا که این الهیات در چهارچوب یک نظام دانش بین رشته‌ای به معنای خاص ملاحظه می‌گردد، توجه به مبانی و راهبردهای آن ممکن است نتایج عملی و کارکردهای اجتماعی قوی‌تری از خود بر جای گذارد که علاوه بر جوامع دینی و تقویت همبستگی در آنها، قابلیت بهره‌برداری در مدیریت فرهنگی و اجتماعی در همه جوامع انسانی را نیز دارد. نگارنده معتقد است با توجه به نظام دانشی الهیات وحدت نهایتاً می‌شود هریک از فرقه‌های اسلامی را بدون استثنا، به سوی اصلیت آن فرقه سوق داد. دستیابی به ایده «اصل فرقه» در مورد هریک از مذاهب اسلامی، نقشه راهی است که با آن می‌شود به نحوی علمی، ساختار باورهای فرقه‌ای را طوری اصلاح نمود که دو ویژگی مهم آنها حفظ باورهای فرقه‌ای در عین احترام به اصل فرقه‌های دیگر اسلامی با مبنای «دیگریت» است.



فهرست منابع

- آذرشب، م. ع. (۱۴۲۹ق.). السید الشهدی محمدباقر الحکیم و التقریب مشروع فکری و مسیریة عملیة. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقریب. المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة.
- آل ثابت، م. س. (۱۴۲۷ق.). الشیخ الزنجانی و الوحدة الاسلامیة. المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة.
- ابوالبصل، ع. م. (۱۴۲۶ق.). الوصایا العشرون للصحوة الإسلامیة. در مجموعه الصحوة

الإسلامية آفانها المستقبلية و ترشيدها (مقالات كنفرانس‌های وحدت اسلامي). المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

احمدى، ع. (١٤٢٨ق.د). الشيخ محمود شلتوت. (عامر شوهانى، مترجم). المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

احمدى، م. (١٤٢٨ق.الف). الشيخ محمدجواد مغنية. (عبدالحسين نجفى بهبهانى، مترجم). المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

احمدى، م. (١٤٢٨ق.ب)، الشيخ محمد عبده. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

اسدى نسب، م. ع. (١٤٢٦ق.). جامع البيان فى الأحاديث المشتركة. المجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام.

اكبرى، ر. (١٤٠٢). الهيئات عملي، ظرفيت‌ها و چالش‌ها. بنياد پژوهش‌های اسلامي آستان قدس رضوى.

امام، م. ك. (١٤٢٥ق.). محمود شلتوت مجتهداً و رائداً للتقريب قراءة تاريخية و وثائقية. در مجموعه مقالات كنفرانس‌های وحدت اسلامي. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

برانر، آر. (٢٠١٥). التقريب بين المذاهب الاسلامية فى القرن العشرين، الأزهر و التشيع محاولات و تحفظات. (بتول عاصى و فاطمه زراقت، مترجمان). مكتبة مؤمن قريش.

بليشير، م. (١٤٣٢ق.). التقريب بين المذاهب الإسلامية و فقه الائتلاف فى فكر الشيخ التسخيرى. ضمن مجموعه مقالات كنفرانس اسلامي با عنوان الأمة بين المذهبية و الطائفية. (محمدحسن تيرائيان، ويراستار). مجمع جهانى تقريب مذاهب اسلامي.

بيومى، ع. م. (١٤٢٥ق.). دور الأزهر فى حركة التقريب بين المذاهب الاسلامية. در مجموعه مقالات كنفرانس‌های وحدت اسلامي. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

پورصباغ، محمد (١٤٢٨ق.). الامام موسى الصدر. (محمدجاسم ساعدى، ويراستار). المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

تسخيرى، م. ع. (١٤٢٩ق.الف). الامام شرف الدين و المنهج الوحدوى. در ضمن مجموعه مقالات كنفرانس‌های وحدت اسلامي با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

تسخيرى، م. ع. (١٤٢٩ق.ب). الامين رجل التقريب و الوحدة. در ضمن مجموعه مقالات كنفرانس‌های وحدت اسلامي با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين



المذاهب الاسلامیة.

تسخیری، م. ع. (۱۴۲۹ق. د). بدیع الزمان سعید النورسی داعیة الاتحاد الإسلامی. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة.

تسخیری، م. ع. (۱۴۲۹ق.). السید محمدتقی الحکیم قدوة فکریة فی مجال التقرب. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة.

تسخیری، م. ع. (۱۳۹۱). رسالت ما: تقرب در اندیشه ها و وحدت در عمل. مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.

حکیم، م. ب. (۱۴۲۴ق.). المرجعية الدينية و التقرب. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان حوزة العلمية العراقية و التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیة.

حکیم، م. ب. (۱۴۲۸ق.). المرجعية الدينية و التقرب. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان الامامان البروجردی و الشلتوت رائدا التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیة.

حماد، ج. (۱۴۲۹ق.). الشیخ الغزالی السیاسی المفکر الذی تحدی الطغیان. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة.

خادم جهرمی، ح. (۱۳۸۷). قرآن و اتحاد اسلامی. فرهنگ کوثر، (۷۵)، ۸-۲۱. خجملی، ا. (۱۳۸۲). گستره اصول مشترک بین مذاهب اسلامی، مجموعه اجتهاد و نواندیشی. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی. به کوشش جلال میرآقایی. مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی.

رضانژاد، ق. (۱۴۱۸ق.). الرواة المشتركون للفريقین عن الامام محمد الباقر (ع). ضمن حدیث التقرب. (محمد سعید معزالدین، ویراستار). مؤسسه الفقه للطباعة و النشر. ساعدی، م. ج. (۱۴۲۸ق.). الامام کاشف الغطاء. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة.

سجادی، ع. (۱۳۸۶). اخوت و برادری در اسلام. مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی. شرارة، ع. (۱۴۲۴ق.). الامام الصدر و التقرب. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس های وحدت اسلامی با عنوان حوزة العلمية العراقية و التقرب. المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیة.



شرارة، ع. (۱۴۲۹ق.). الأسلوب التقريبي لدى العلامة السيد محمدتقى الحكيم. در مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

صفار، ح. م. (۱۳۸۶). وحدت ملی و همبستگی اسلامی از نگاه قرآن و سنت. حصون، (۱۴)، ۳۹-۲۳.

طریفی، م. ع. (۱۴۱۸ق.). دور الأخلاق الإسلامية فی ایجاد الوحدة و الأخوة الإسلامية. در ضمن حدیث التقريب. (محمد سعید معزالدین، ویراستار). مؤسسة الفقه للطباعة و النشر. عاملی، م. ق. (۱۴۱۸ق.). الوحدة الإسلامية دراسة فی الطريق العملية لتحقيقها. در ضمن حدیث التقريب. (محمد سعید معزالدین، ویراستار). مؤسسة الفقه للطباعة و النشر.

عبدالهادی، ا. م. (۱۴۳۲ق.). النتائج الإيجابية للتعددية المذهبية. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس وحدت اسلامی با عنوان الأمة بين المذهبية و الطائفية. (محمدحسن تبرائیان، ویراستار). مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی.

علی قنبری، ف. (۱۳۸۲). جهان شمولی اسلامی و جهانی سازی. مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی.

الغدیری، س. (۱۴۲۹ق.). محمدحسین کاشف الغطاء أحد رؤاة الوحدة الإسلامية. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

فتح الله، ع. م. (۱۴۲۵ق.). فضيلة الإمام الأكبر الشيخ محمود شلتوت و فكرة التقريب بين المذاهب. در مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامی. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

فراهانی، ع. ر. (۱۴۲۷ق.). المأثورة المشتركة. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

الفردان، شاکر (۱۴۲۹ق.). المنهج الوجودی لدى السيد جمال الدين و الشيخ محمد عبده. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامی با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

قزوینی، ع. (۱۳۵۸). النقض یا بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. (میرجلال الدین محدث، ویراستار). انجمن آثار ملی.

مبلغی، ا. و وردی، ع. (۱۴۱۸ق.). الموافقات بين المذاهب الإسلامية فی الاجتهاد و التقليد. در ضمن حدیث التقريب. (محمد سعید معزالدین، ویراستار). مؤسسة الفقه للطباعة و النشر.



منتظر قائم، م. (۱۴۲۶ق.). الأحاديث المشتركة حول عيسى المسيح (ع). المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

ميرآقايي، ج. (۱۴۲۱ق.). الاسلام و أمة الاسلام في القرن القادم. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

ميرآقايي، ج. (۱۴۲۸ق.). التعددية المذهبية في الاسلام و آراء العلماء فيها. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

ناظمي، ر. و چهری، م. (۱۴۰۲). تحليل زمينه‌های شکل‌گیری تفسير اجتماعي قرآن با رویکرد هم‌زمانی قرآن. فرهنگ و تمدن. ۴(۲)، ۱۲۸-۱۵۱.

نجفی بهبهانی، ع. (۱۴۲۸ق.). الشيخ محمد الغزالي. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

واصل، ن. ف. (۱۴۲۹ق.). الامام محمود شلتوت المنهج التجديد-التقريب. در ضمن مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامي با عنوان رجالات التقريب. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

هاللي، ت. (۱۴۲۶ق.). عقيدتنا الإسلامية. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية. المعاونة الثقافية.

هويدي، ف. (۱۴۲۵ق.). تجربة التقريب بين المذاهب. در مجموعه مقالات کنفرانس‌های وحدت اسلامي. المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

Storm, R. (Eds.). (1998). *Liberating Faith*. Ackermann, D., & Bons
Practices: Feminist Practical Theologies in Context. Peeters .

Ammerman, N. (Ed.). (2007). *Everyday Religion: Observing Modern Religious Lives*. Oxford University Press.

Ballard, P. H. (Ed.). (1986). *The Foundations of Pastoral Studies and Practical Theology*. Board of Studies for Pastoral Studies, University College, Cardiff.

Browning, D. S. (Ed.). (1983). *Practical Theology: The Emerging Field in Theology, Church, and World*. Harper and Row.

Brunner, R. (2004). *Islamic Ecumenism in the 20th Century: The Azhar and Shiism between Rapprochement and restraint*. Brill.

Dykstra, C. (1991). Reconceiving Practice in Theological Inquiry and Education. In Barbara G. Wheeler and Edward Farley (Eds.). *Shifting*



Boundaries: Contextual Approaches to the Structure of Theological Education, Louisville (pp.35-66). Westminster John Knox Press.

Farley, E. (1987). *Interpreting Situations: An Inquiry in the Nature of Practical Theology*. In Lewis S. Mudge and James N. Poling (Eds.). *Formation and Reflection: The Promise of Practical Theology* (pp.1-26). Fortress Press.

Fulkerson, M. M. (2007). *Places of Redemption*. Oxford University Press.

Forrester, D. B. (Ed.). (1990). *Theology and Practice*. Epworth Press.

Hall, D. D. (Ed.). (1997). *Lived Religion in America: Toward a History of Practice*. Princeton University Press.

Howard, T. A. (2021). *The Faiths of Others: A History of Interreligious Dialogue*. Yale University Press.

Klein, J. T. (2017). *Typologies of Interdisciplinarity: The Boundary Work of Definition in: The Oxford Handbook of Interdisciplinarity*. Oxford University Press.

Lee, B. J. (2003). *Politics and Economics in the Preaching of the Church: A New Testament Reading of Phronesis*. In Pamela D. Couture & Bonnie J. Miller-McLemore (Eds.). *Poverty, Suffering and HIV/AIDS: International Practical Theological Perspectives* (pp.169-182). Cardiff Academic Press.

Maffly-Kipp, L. F., Schmidt, L. E., & Valeri, M. (2006). Preface. In L. F. Maffly-Kipp, L. E. Schmidt, and M. Valeri (Eds.). *Practicing Protestants: Histories of Christian Life in America, 1630-1965* (pp.1-15). Johns Hopkins University Press.

Marsh, Ch. (1997). *God's Long Summer: Stories of Faith and Civil Rights*. Princeton University Press.

McGrath, A. E. (2006). *A Scientific Theology*. In 3.T. & T. Clark.

Miller-McLemore (2012). *The Contributions of Practical Theology*. In *The Wiley-Blackwell Companion to Practical Theology*, Blackwell.

Moschella, M. C. (2008). *Ethnography as a Pastoral Practice: An Introduction*. Pilgrim Press.



- Orsi, R. A. (2005). *Between Heaven and Earth: The Religious Worlds People Make and the Scholars Who Study Them*. Princeton University Press.
- Poling, J. N. & Miller, D. E. (Eds.). (1985). *Foundations for a Practical Theology of Ministry*. Abingdon Press.
- Root, A. (2014). *Christopraxis A Practical Theology of the Cross*. Fortress Press.
- Scharen, Ch., & Vigen, A. M. (Eds.). (2011). *Ethnography as Christian Theology and Ethics*. Continuum.
- Schwartz, B., & Sharpe, K. (2010). *Practical Wisdom*. Riverhead Books.
- Schweitzer, F., & van der Ven, Johannes A. (Eds.). (1999). *Practical Theology: International Perspectives*. Peter Lang.
- Shulman, L. S. (2004). *The Wisdom of Practice: Essays on Teaching, Learning, and Learning to Teach*. In Suzanne M. Wilson (Ed.). Jossey-Bass.
- Sullivan, W. M., & Rosin, M. S. (2008). *A New Agenda for Higher Education: Shaping a Life of the Mind for Practice*. Jossey-Bass.
- van der Ven, J. (1999). The Empirical Approach in Practical Theology. in Friedrich Schweitzer and Johannes van der Ven (Eds.). *Practical Theology: International Perspectives* (pp. 323-339). Peter Lang, pp.323-339.
- Volf, M., & Bass, D. C. (Eds.) (2002). *Practicing Theology: Beliefs and Practices in Christian Life*. Grand Rapids. Eerdmans.

